

## استعدادان ایرانی

بهنیاز یکی از دانشمندان بزرگ و حکمای فاسی ایران است. او سرآمد شاگردان فیلسوف مشهور شرق شیخ الرئیس بوعلی سینا بود. او کسی است که مشکلات علوم و کتب شیخ راجل نمود و در قایق فکر او را کشف کرد و بدرک بسیاری از رموز و اسرار منطق و فلسفه نائل گشت.

او در میان انبوه شاگردان ابن سینا از همه معروفتر و بشیخ نزدیکتر و نبوغش از همه بیشتر بود.

آیا میدانید او نخست کی بود و چگونه بر اثر یک تصادف مخنصر استعداد ذاتی او جلوه گر شد و همان موجب گردید که بآن مقام والا نائل شود؟

گویند در آن روزگار که اوضاع جهان آرام و زنده گی مانع از بروز اعصاب مردم در افلاج و افکار همه را مشوش و پراکنده نساخته بود، و دانشجویان ایران در همه جا بمنظور ملاقات رجال عالم و کسب دانش در تظاہر بودند و در هر فرصت حتی در سخت ترین لحظات زندگی از تعقیب این هدف مقدس دست بردار نبودند، روزی شیخ الرئیس ابن سینا از دکان آهنگری میگذشت. دیدی سر بچه ای جلودکان آهنگری ایستاده و با دست خالی از آهنگریاره آتشی طلب میکند (۱)

آهنگر نظری سر و وضع پسر بچه انداخت و گفت: ظرفت را بگیر تا آتش در آن بریزم!

پسر بچه متوجه شد که با دست خالی آمده، در صورتیکه لازم بود قبلاً ظرفی برای بردن آتش با خود میآورد. از این رو نخست در برابر درخواست آهنگر (۱) روشن الحیات.

تکانه خورده سپس فوری دستش را جلو برد و گفت: در کف دست من بریز  
 آهنگر گفت: دستت میسوزد! پس بچه فوراً خم شد مثنی خاکه  
 از زمین برداشت و در کف دست خود ریخت و آنرا صاف کرد و با آهنگر گفت: این هم  
 ظرف! این دیگر نمیسوزد!

این سینا که خود نافع‌های بزرگ بود، و در باره حافظه و قوه شنوایی و نیروی  
 دید و استعداد عواج او داستانها نوشته و گفته اند و چیزها شنیده ایم، از بهر هوشی  
 و فریضه‌سزای او استعداد داد پس بچه در شکفت ماند و در دل بر این گونه استعدادها  
 که مانند آتش زیر خاکستر خاموش و رفته رفته از بین می‌رود، افسوس خورد.

آنگاه جلو آمد و نام او را پرسید و دانست که او بهمنیار و از بزرگان خانواده کبر  
 است که مانند برخی از ایرانیان آنروز هنوز کیش مسلمانی نپذیرفته بود.

این سینا از وی خواست که نزد وی بماند و او هم در تعلیم و تربیت او بکوشد  
 تا دانشمند شود و بمقام بلندی برسد.

بهمنیار تقاضای شویخ را پذیرفت و بعد از مدت کمی بدست و در همه جا مانند سایه دنبال او  
 بود. چیزی نگذشت که مسلمان شد و با استفاده از علم شریک از نوابع نامی بشمار آمد  
 و همان موقع آوازه‌اش بهم‌جا رسید و شویخ نزد همه کس شناخته شد. او در علوم معقول  
 کتابهای ذریعتمی بیادگار گذارده و حکما و دانشمندان بزرگی تربیت کرده است.  
 کتاب «التحصيل» در منطق و طبیعی و الهی شاهکار اوست که از هزار سال تا  
 کنون همواره مورد استفاده حکما و دانشمندان اسلام و بیگانه بوده و هست.

این استعداد در اغلب افراد ایرانی هست. ایرانی واقعا استعداد هر گونه ترقی  
 و پیشرفت است ولی باید با وجدان و محیط داد، استاد و وسایل کار داد تا در  
 شرائط مساعد نه تنها بیای ملل رقی جهان امروز برسد بلکه از مرز آنها هم  
 قدم فراتر نهد.

بیمبر اسلام (ص) میفرماید: لو كان العالم بالثريا لاناواه رجال من فارس  
 یعنی اگر دانش پستار شیروین آویخته باشد، مردانی از فارس آن خواهند رسید!